

درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش

"گذر سیاوش از آتش" از شاهنامه فردوسی. نوع ادبی: ادبیات حماسی***عقاب: مثنوی / لحن: حماسی. گنج حکمت: به جوانمردی کوش: گلستان سعدی.

قلمرو زبانی:

(۱) معنی واژه های مشخص شده زیر را بنویسید.

۱. به دستور فرمود تا ساروان.

۲. به نیروی یزدان نیکی دهش

۳. چو او را بدیدند برخاست غو»

۴. هُشیوار و با جامه های سپید

۵. یکی خود زرین نهاده به سر

۶. هیون آرد از دشت صدکاروان

۷. «همی ریخت آب و همی خست روی»

۸. «چنین گفت مُوبد به شاه جهان»

۹. فرود آمد از باره ، بردش نماز.

۱۰. یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند.

۲- اشتباهات املائی متن زیر را بیابید و اصلاح کنید.

الف: چو او را بدیدند برخواست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو

ب: یکی از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور اذیت آغاز کرده تا جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از گُربت جورش راه قربت گرفتند. باری به مجلس او در ، کتاب شاهنامه همی خواندند در زوال مملکت ضحاک و عهد فریدون . وزیر مَلِک را پرسید: «هیچ توان دانستن که فریدون که گنج و مُلک هشم نداشت ، چگونه بر او مملکت مقرر شد؟» گفت: «آن چنان که شنیدی خلقی بر او به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت.»

۳. ایات زیر را به لحاظ شیوه بلاغی بررسی کنید.

«اگر کوه آتش بود بسپر / از این تنگ خوار است اگر بگذرم»

۴. در بیت زیر کدام زمینه حماسه، مشهودتر است؟

چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی گناهان نیاید گزند

۵. با توجه به بیت: «وزین دختر شاه هاماوران // پر اندیشه گشتی به دیگر کران» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: بیت را به لحاظ شیوه بلاغی و عادی بررسی کنید. شیوه بلاغی

ب: نقش واژه مشخص شده را بنویسید. مسند

پ: ترکیبات وصفی و اضافی بیت را مشخص کنید.

۶. با توجه به اینکه واژه «اندیشه» در جمله ممکن است معانی متفاوتی چون: ۱. فکر ۲. ترس و نگرانی و اضطراب، داشته باشد،

مفهوم واژه «اندیشه» در بیت «که هر چند فرزند هست ارجمند / دل شاه از اندیشه یابد گزند» با کدام گزینه متفاوت است.

۱. چو شب تیره گردد شیخون کنیم / ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم

۲. غلام عشق شو کاندیشه این است / همه صاحب‌دلان را پیشه این است

۳. چو بشنید خسرو از آن شاد گشت / روانش ز اندیشه آزاد گشت

۴. چو بشنید خاقان پر اندیشه شد / ورا دل از اندیشه چون بیشه شد

۷. نوع «را» را در موارد زیر بررسی کنید.

الف: ز هر در سخن چون بدین گونه گشت / بر آتش یکی را نباید گذشت

ب: جهاندار، سودابه را پیش خواند / همی با سیاوش به گفتن نشاند

۸. سرانجام گفت ایمن از هر دوان / نگردد مرا دل، نه روشن روان

الف: منظور از هر دوان: هر دو ی آن‌ها (سیاوش و سودابه)

ب: را: نشانه ی فک اضافه (دل من)

پ: کنایه بیت را مشخص کنید.

ت: نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

۹. با توج به بیت: «سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

ب: نوع «را» در مصرع دوم را تعیین کنید.

پ: معنی خوار را بیان کنید.

ت: بیت فوق را معنی کنید.

ث: مفهوم بیت را بنویسید:

نکته: واژه خوار معانی متفاوتی دارد. ۱. ذلیل و حقیر و پست و بی ارزش ۲. آسان و سهل.

۱۰. مفهوم واژه «خوار» در کدام گزینه متفاوت است.

الف: کنون کارگر شد که بیکار گشت / پسر پیش چشم پدر خوار گشت

ب: هنر خوار شد جادویی ارجمند / نهان راستی آشکارا گزند

پ: اگر کوه آتش بود بسپر / از این تنگ، خوار است اگر بگذرم

ت: بی اندازه ز ایشان گرفتار شد / سترگی و نابخردی خوار شد

۱۱. در بیت: «پادشاهی که طرح ظلم افکند // پای دیوار ملک خویش بکند»

الف: در گروه اسمی «پای دیوار ملک خویش»، هسته و وابسته را مشخص کنید.

ب: نقش هسته های گروه اسمی «طرح ظلم» و «پای دیوار ملک خویش» را بنویسید.

۱۲. نوع وابسته وابسته را در عبارات زیر مشخص کنید.

الف) به صد کاروان اشتر سرخ موی

ب) به نیروی یزدان نیکی دهش

پ) وزین دختر شاه هاماوران

ت) چنین است سوگند چرخ بلند

ث) نهادند بر دشت هیزم دو کوه

قلمرو ادبی:

۱۳. مجاز را در بیت: «یکی تازی ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ماه» بیابید.

۱۴. بیت: «چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی گناهان نیاید گزند» را از نظر ادبی بررسی کنید.

۱۵. با توجه به ابیات: «نکند جورپیشه سلطانی // که نیاید ز گرگ چوپانی

پادشاهی که طرح ظلم افکند // پای دیوار ملک خویش بکند» به سوالات زیر پاسخ دهید.

الف: بارزترین آرایه بیت نخست را بنویسید.

ب: آرایه قسمت مشخص شده را بنویسید.

۱۶. مفهوم کنایه ها را در ابیات زیر بنویسید.

الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی // بیاید زدن سنگ را بر سبو

ب) همان به کزین زشت کردار، دل // بشویم کنم چاره دل گسل

پ) چنان آمد اسپ و قبای سوار / که گفتی سمن داشت اندر کنار

۱۷. آرایه «مجاز» را در ابیات زیر بیابید.

الف: سراسر همه دشت بریان شدند / بر آن چهر خندانانش گریان شدند

ب: سر پر ز شرم و بهایی مراست / اگر بی گناهم رهایی مراست

پ: به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت، صد کاروان

ت: به نیروی یزدان نیکی دهش / کزین کوه آتش نیام تپش

ث: به پور جوان گفت شاه زمین / که رایت چه بیند کنون اندرین؟

ج: نهادند بر دشت هیزم دو کوه / جهانی نظاره شده هم گروه

چ: یکی تازی ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ماه

ح: چو از کوه آتش به هامون گذشت / خروشیدن آمد ز شهر و ز دشت

خ: سواران لشکر، برانگیختند / همه دشت پیشش درم ریختند.

د: رخ شاه کاووس پرشرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید

ذ: ز هر سو زبانه همی بر کشید / کسی خود و اسپ سیاوش ندید

ر: یکی دشت با دیدگان پر زخون / که تا او کی آید ز آتش برون

۱۸. با توجه به اینکه زمینه های اصلی حماسه، (داستانی، ملی، قهرمانی و خرق عادت) می باشد، هر یک از ابیات زیر بیانگر کدام

یک از زمینه های حماسه است؟

۱) همی داد مزده یکی را دگر ** که بخشود بر بی گنه، دادگر

۲) اگر کوه آتش بود بسپرم ** ازین تنگ خوار است اگر بگذرم

۳) ز هر در سخن چون بدین گونه گشت ** بر آتش یکی را بیاید گذشت

۴) چنین است سوگند چرخ بلند ** که بر بی گناهان نیاید گزند

۵) بدان گاه سوگند پرمايه شاه *** چنین بود آیین و این بود راه

۶) سیاوش بیامد به پیش پدر *** یکی خود زرین نهاده به سر

۷) هشیوار و با جامه های سپید ** لبی پر زخنده، دلی پر امید

۸. پراکنده کافور بر خویشتن ** چنان چون بود رسم و ساز کفن
۹. سیاوش بدو گفت انده مدار ** کزین سان بود گردش روزگار
۱۰. سر پر ز شرم و بهایی مراست ** اگر بی گناهم، رهایی مراست
۱۱. به نیروی یزدان نیکی دهش ** کزین کوه آتش نیام تپش
۱۲. سیاوش سیه را به تندی بتاخت ** نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت
۱۳. چو او را بدیدند برخاست عو ** که آمد ز آتش برون شاه نو
۱۴. چنان آمد اسپ و قبای سوار ** که گفתי سمن داشت اندر کنار
۱۵. چو پیش پدر شد سیاوش پاک ** نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک
۱۶. «چو بخشایش پاک یزدان بود دم آتش و آب یکسان بود»
۱۷. «مگر کاتش تیز پیدا کند / گنه کرده رازود رسوا کند»

۱۹. قلمروهای سه گانه بیت «چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود» را بررسی کنید.

۲۰. کنایه بیت: «چنان آمد اسپ و قبای سوار / که گفתי سمن داشت اندر کنار»

۲۱. در کدام گزینه آرایه «ایهام» به کار رفته است؟

الف: مگر کاتش تیز پیدا کند / گنه کرده رازود رسوا کند

ب: سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

پ: چو پیش پدر شد سیاوش پاک / نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک

ت: پر اندیشه شد جان کاووس کی / ز فرزند و سودابه نیک پی

نمونه هایی از هر سه قلمرو

۲۲. معنی و مفهوم موارد زیر را بنویسید.

الف: چون رعیت کم شود، ارتفاع ولایت نقصان پذیرد.

ب: همی کند سودابه از خشم، موی / همی ریخت آب و همی خست روی

۲۳. قلمروهای سه گانه بیت: «چو پیش پدر شد سیاوش پاک / نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک» را بررسی کنید.

۲۴. در بیت: «سیاوش را تنگ در بر گرفت / ز کردار بد پوزش اندر گرفت.»

معنی قسمت های مشخص شده را بنویسید.

۲۵. با توجه به بیت: «چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی / بیاید زدن سنگ را بر سبوی» به سوال ها پاسخ دهید.

الف) آرایه مصرع دوم را بنویسید. ب) منظور از «گفت و گوی» چیست؟

۲۶. در بیت زیر منظور از واژه مشخص شده را بنویسید.

اگر کوه آتش بود بسپرم / ازین تنگ خوار است اگر بگذرم.

۲۷. در بیت: «چنین گفت مُوبد به شاه جهان / که درد سیه‌بد نماند نهان»

الف: منظور از قسمت مشخص شده چیست؟

ب: مجاز را در بیت بیابید. (قلمرو ادبی)

۲۸. در بیت زیر، مفهوم اصلی مصرع اول را بنویسید.

«سراسر همه دشت بریان شدند / بر آن چهر خندان گریان شدند»

۲۹. مفهوم مصرع «که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» چیست؟

۳۰. با توجه به بیت: «که هر چند فرزند هست ارجمند / دل شاه از اندیشه یابد گزند» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف) نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (قلمرو زبانی)

ب) مجاز را در بیت بیابید. (قلمرو ادبی)

پ) اندیشه به چه معنی است؟

نکته: اندیشه معانی چون: فکر / ترس / اضطراب و نگرانی دارد. (در این بیت در معنی نگرانی و اضطراب)

۳۱. بر مبنای بیت: «اگر کوه آتش بود بسپرم / ازین تنگ خوار است اگر بگذرم» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف: معنی بیت را بنویسید.

ب: بیت فوق را به لحاظ ساده یا غیر ساده بودن جمله، بررسی کنید. (قلمرو زبانی)

پ: آرایه ادبی «کوه آتش» را بیان کنید. (قلمرو ادبی)

ت: نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (قلمرو زبانی)

ث: منظور از تنگ را بنویسید.

ج: معنی «خوار» را بنویسید و هم آوای آن در زبان فارسی را بیان کنید.

نکته: سپردن: ۱. طی کردن ۲. پایمال کردن (= خروشید و برجست لرزان ز جای / بدرید و بسپرد محضر به پای)

۳۲. با توجه به بیت: «همان به کزین زشت کردار، دل / بشویم کنم چاره ی دل گسل» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف: نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (زبانی)

ب: نوع حذف را بیان کنید. (زبانی)

پ: منظور از «کردار زشت» چیست؟ (فکری)

ت: کنایه بیت را بنویسید. (ادبی)

۳۳: قلمروهای سه گانه بیت «به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت ، صد کاروان» را بنویسید.

۳۴. سوالات بیت: «نهادند بر دشت هیزم دو کوه / جهانی نظاره شده هم گروه» را پاسخ دهید.

الف) در بیت فوق، مجاز را بیابید. (قلمرو ادبی)

ب) در گروه اسمی «هیزم دو کوه» هسته و وابسته را مشخص کنید (قلمرو زبانی)

۳۵. با توجه به بیت: «سر پر ز شرم و بهایی مراست / اگر بی گناهم ، رهایی مراست»

الف: مرجع ضمیر من، کیست؟

ب: یک نمونه مجاز در بیت بیابید.

۳۶. با توجه به بیت: «چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو» موارد زیر را بررسی کنید.

الف: معنی واژه غو را بنویسید.

ب: منظور از «شاه نو» کیست؟

پ: بارزترین آرایه بیت را بنویسید.

ت: کدام واژه های بیت فوق، جناس ناهمسان می سازند؟

ث: بیت فوق بیشتر مربوط به کدام زمینه حماسه است؟

۳۷. در مصرع «چنان چون بود رسم و ساز کفن»، منظور از واژه مشخص شده، چیست؟

۳۸. «سیاوش را کرد باید درست» ؛ یعنی ... :

۳۹. با توجه به بیت: «ور ایدون که زین کار هستم گناه / جهان آفرینم، ندارد نگاه» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: بیت را به لحاظ نوع جمله (ساده/ غیر ساده) بررسی کنید.

ب: نقش ضمیر «م» در «جهان آفرینم» را بیان کنید.

پ: نوع صفت «جهان آفرین» را مشخص کنید.

نکته: گناه: اسم به جای صفت به کار رفته است در معنی گناهکار.

۴۰. «به گفتن نشاندن» در مصرع «همی با سیاوش به گفتن نشانند» ؛ یعنی ... :

۴۱: بیت زیر را بخوانید؛ سپس به سوال ها پاسخ دهید.

به نیروی یزدان نیکی دهش / کزین کوه آتش نیابم تپش

الف: موصوف های بیت فوق در چه نقشی هستند؟

ب: معنی واژه «تپش» را بنویسید.

پ: در گروه اسمی «نیروی یزدان نیکی دهش» هسته و وابسته کدامند؟

۴۲: با توجه به بیت: «سیاوش سیه را به تندى بتاخت / نشد تنگ دل جنگِ آتش بساخت» به موارد زیر پاسخ دهید.

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

ب: یک «مجاز» را در بیت بیابید.

پ: کنایه بیت را بنویسید.

ت: دو نمونه جناس را در بیت بیابید.

معنی: سیاوش اسب سیاهش را به سرعت راند؛ غمگین و مضطرب نشد و آماده ی نبرد با آتش گردید. زمینه قهرمانی حماسه.

نکته: ساختن: ۱. بنا کردن. ۲. آماده شدن. ۳. فراهم کردن. ۴. نواختن. ۵. کنار آمدن، سازگاری کردن

۴۳. زمان فعل های کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

۱. یکی دشت با دیدگان پر ز خون / که تا او کی آید ز آتش برون

۲. چنان آمد اسپ و قبای سوار / که گفتی سمن داشت اندر کنار

۳. یکی شادمانی بُد اندر جهان / میان کهان و میان مهان

۴. همی داد مژده یکی را دگر / که بخشود بر بی گنه دادگر

۴۴. با توجه به بیت «سَر پُر ز شرم و بهایی مراسم اگر بی گناهم رهایی مراسم» سیاوش رهایی خود را در چه می داند؟

۴۵. در بیت «فرود آمد از اسب کاووس شاه پیاده سپهد، پیاده سپاه» منظور از سپهد چه کسی است؟

۴۶. در بیت «مگر آتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند» واژه «مگر» به چه معنایی به کار رفته است؟

/-

درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش

قلمرو زبانی

۱. وزیر، مشاور (معنی این واژه با توجه به واژه نامه کتاب فارسی ۳، وزیر و مشاور است. اگر بنا بر دوگانه خوانی باشد، در معنای امر و فرمان نیز می توان آن را معنی کرد. معنی وزیر و مشاور ارجحیت دارد.) * ۲. نیکی کننده * ۳. غو: بانگ و خروش، فریاد * ۴. هُشیوار: هوشیار، آگاهانه * ۵. خُود: کلاه خود * ۶. هیون: شتر، به ویژه شتر قوی هیکل و درشت اندام * ۷. خَسْت: زخمی کردن، مجروح کردن. * ۸. موبد: روحانی زرتشتی، مجازا مشاور (در درس دوازدهم) * ۹. باره: اسب / بردش نماز: تعظیم کردن و احترام گذاشتن. ۱۰: مکاید: کیدها، مکرها و حيله ها کربت: غم و اندوه.
۲. الف: تناول - قربت - حَشَم - ب: برخاست
۳. شیوه بلاغی -
۴. زمینه ملی حماسه.
۵. الف: شیوه بلاغی * ب: مسند * پ: ترکیب وصفی: این دختر/دیگر کران*** ترکیب اضافی: دختر شاه/شاه هاموران*
۶. گزینه صحیح ۲. در این گزینه «اندیشه» در معنی «فکر» است. *** «اندیشه» در گزینه های ۱-۳-۴ به معنی: «نگرانی» است.
۷. الف: فک اضافه * ب: را مفعولی *
۸. الف: سیاوش و سودابه ب: «را» فک اضافه پ: " ایمن نگردیدن دل " و " روشن نگشتن روان " : کنایه از " عدم آرامش ، بد گمانی " و اطمینان نداشتن. ت: دل: نهاد روشن: مسند
۹. الف: چنین: قید / دوزخ: نهاد / خوار: مسند. *** ب: (را: حرف اضافه به معنی " برای ") پ: خوار: آسان، سهل

ت: معنی بیت: سیاوش چنین گفت که ای پادشاه، تحمل آتش دوزخ از شنیدن این تهمت برای من ساده تر است (با شنیدن این اتهامات، عبور از آتش برای من بی گناه آسان است) ث: ترجیح مرگ بر ننگ

۱۰. پاسخ: گزینه ۳ به معنی: آسان و سهل / گزینه های ۱-۲-۴: به معنی: پست و بی ارزش.

۱۱. الف: پای: هسته / دیوار: وابسته اول: مضاف الیه / ملک: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه / خویش: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه. ب: هسته های گروه اسمی در «طرح ظلم» و «پای دیوار ملک خویش»، به ترتیب «طرح» و «پا» هستند که هر دو در جمله، نقش «مفعول» را دارند.

۱۲. الف: کاروان: وابسته وابسته از نوع ممیز * ب: نیکی دهش: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه * پ: هاماوران: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه * ت: بلند: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه. ث: دو کوه هیزم: کوه: وابسته وابسته از نوع ممیز

قلمرو ادبی

۱۳. ماه: مجاز از آسمان *** تازی: مجاز از اسب تازی

۱۴. ادبی: چرخ: استعاره از "آسمان" / تشخیص / اضافه استعاری (سوگند خوردن چرخ بلند) / واج آرای «ن» / * تلمیح: این بیت به باور گذشتگان اشاره دارد (آتش بی گناهان را نمی سوزاند: زمینه ملی حماسه)

۱۵. الف: اسلوب معادله ب: «طرح افکندن ظلم»: کنایه از بنا نهادن ظلم.

۱۶. الف: سنگ را بر سبوزدن: کنایه از آزمایش و امتحان ب: دل شستن: کنایه از صرف نظر کردن. پ: سمن در کنار داشتن: کنایه از سالم و زنده بودن.

۱۷. الف: دشت: مجاز از مردم ب: سر: مجاز از وجود پ: ندارد ت: ندارد ث: زمین: مجاز از ایران ج: جهان: مجاز از مردم چ: تازی: عربی؛ (در این بیت) مقصود مجاز: اسب عربی) ماه: مجاز از "آسمان"

ح: شهر و دشت: مجاز از مردم. خ: دشت: مجاز از مردم. د: رخ شاه: مجاز از وجود ذ: خود: کلاهی خود: مجاز از خود ر: دشت: مجاز از مردم.

۱۸. ۱. زمینه ملی حماسه. ۲. قهرمانی ۳. ملی ۴. ملی ۵. ملی ۶. قهرمانی ۷. قهرمانی ۸. ملی ۹. ملی ۱۰. ملی ۱۱. قهرمانی ۱۲. قهرمانی ۱۳. خرق عادت ۱۴. خرق عادت ۱۵. خرق عادت. ۱۶. ملی. ۱۷. ملی

۱۹. قلمرو زبانی: ۲ جمله / بود: موجود باشد (فعل تام است نه اسنادی) / بخشایش: نهاد / پاک: وابسته وابسته (صفت مضاف الیه) / یزدان: مضاف الیه / اثر: نهاد / یکسان: مسند / او: عطف

قلمرو ادبی: بیت آرایه ی تلمیح دارد به داستان حضرت ابراهیم. سرد شدن آتش با عنایت خدا. / آتش و آب: تضاد / مصرع دوم: کنایه از سوزنده نبودن آتش / واج آرای مصوت بلند «ا»

قلمرو فکری: معنی: زمانی که بخشایش و رحمت پاک الهی شامل حال افراد شود. حرارت آتش و سردی آب با هم برابر می شوند.

۲۰. «سمن در کنار داشتن»: کنایه از نهایت خوشی و آرامش و تندرستی است.

۲۱. گزینۀ پ: پاک: ایهام، (۱. پاکیزه ۲. بی گناه و معصوم).

قلمرو فکری

۲۲. الف: وقتی تعداد مردم کم شود، درآمد حاصل عایدات مملکت نیز کم می گردد.

ب: سودابه از خشم، موهایش را می کند و گریه می کرد و اشک می ریخت صورتش را چنگ می انداخت و می خراشید.

۲۳. قلمرو زبانی: ۵ جمله / شیوه بلاغی / حذف افعال به قرینه معنوی در مصرع دوم / پیش: قید / دود: آتش. گرد: خاک: نهاد /

شد: رفت (تام)

قلمرو ادبی: پاک: ایهام، (۱. پاکیزه ۲. بی گناه و معصوم)

تناسب بین دود، آتش، گرد و خاک، آتش و خاک (عناصر چهار گانه ی طبیعت) خاک: گرد: تضمن

پاک و خاک: جناس ناهمسان

مصرع اول: واج آرایبی؛ تکرار صامت های "پ" و "ش"

واژه ی "نه": تکرار

معنی: سیاوش پاک (بی گناه) در حالی به نزد پدر رفت که اثری از دود و آتش و گرد و غبار با او نبود. / زمینه خرق عادت حماسه

۲۴. در بر گرفت: به آغوش کشید، بغل کرد * * * اندر گرفت: فعل آغازین. شروع کردن / ویژگی سبکی

۲۵. الف: «سنگ بر سبوزدن»: کنایه از "آزمایش و امتحان" ب: "حقیقت ماجرا بین سیاوش و سودابه"

۲۶. گذرگاه آتش

۲۷. الف: ارتباط بین سیاوش و سودابه ب: جهان: مجاز اغراق آمیز از ایران

۲۸. همه مردم ناراحت و غمگین شدند.

۲۹. تحمل آتش دوزخ از شنیدن چنین اتهامی برایم آسان و ناچیز است.

۳۰. الف: ارجمند: مسند // گزند: مفعول * * * ب: دل: مجاز از "وجود" * * * پ: اندیشه: بد گمانی / اضطراب و نگرانی

۳۱. الف: معنی بیت را بنویسید. اگر کوهی از آتش نیز باشد آن طی می کنم و اگر قرار بر عبور از آتش باشد، برای من کاری آسان

است.

ب: بیت فوق را به لحاظ ساده یا غیر ساده بودن جمله، بررسی کنید. هر دو مصرع، جمله مرکب دارند.

نکته: سپردن: ۱. طی کردن ۲. پایمال کردن (= خروشید و برجست لرزان ز جای / بدریید و بسپرد محضر به پای)

پ: آرایه ادبی «کوه آتش» را بیان کنید: کوه آتش: اضافه تشبیهی (آتش: مشبه / کوه: مشبه به) اغراق

ت: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید. کوه: نهاد / آتش: مضاف الیه / تنگ: متمم / خوار: مسند

ث: منظور از تنگ را بنویسید: منظور "آتش" (کنایه)

ج: معنی «خوار» را بنویسید و هم آوای آن در زبان فارسی را بیان کنید: آسان، ساده / هم آوا: خار: تیغ گل

۳۲. الف: همان: نهاد / به: مسند / دل: مفعول * * * ب: همان به: همان بهتر است ("است" به قرینه ی معنوی حذف شده است)

- پ: بدگمانی، بددلی، سوءظن / ت: دل بشویم: کنایه از "خود را رها کردن"
۳۳. قلمرو زبانی: ۲ جمله / شیوه بلاغی / دستور، دشت: متمم / ساروان: نهاد / تا: حرف ربط وابسته ساز / کاروان: مفعول / هیون: شتر قوی و درشت اندام: مفعول / صد کاروان: ترکیب وصفی: کاروان: ممیز /
 نهاد "فرمود": کاووس شاه / ساروان: شتربان، شتردار (نهاد) / هیون: اسب، شتر بزرگ (در این جا "شتر")
 قلمرو ادبی: صد: نشانه ی کثرت / مجاز از بسیاری / واج آرای «ر» / کاروان: ساروان. هیون: مراعات نظیر /
 کاروان: ساروان: جناس ناهمسان / تناسب / دستور: ایهام تناسب = ۱- وزیر، مشاور (اینجا) - ۲- "امر و فرمان" که با واژه ی
 "فرمود" تناسب دارد. (نکته: واژه «دستور» گسترش معنایی یافته: وزیر، مشاور / فرمان / دستور زبان)
 معنی: (کاووس) به وزیر خود فرمان داد تا شتربان، صد کاروان شتر از دشت بیاورد.
۳۴. الف: جهان: مجاز اغراق آمیز از "مردم" / ب: دو کوه هیزم (دو: صفت پیشین شمارشی / کوه: ممیز / هیزم: هسته)
۳۵. الف: سیاوش / ب: سر: مجاز از وجود
۳۶. الف: داد و فریاد، خروش * ب: کنایه از سیاوش * پ: واژه ی «نو» دارای ایهام است ۱- اشاره به ولیعهد بودن سیاوش دارد ۲- نو، به معنی جوان و نیز جان بازیافته نیز آمده است. * ت: غو و نو: جناس ناهمسان * زمینه خرق عادت حماسه)
۳۷. رسم و شیوه و طریق. (نکته: ساز: ۱. آلت موسیقی ۲. ساز و برگ (توشه) ۳. ساخت و سامان ۴. رخت و لباس ۵. سازگاری ۶. توشه و زاد ۷. رسم و شیوه و طریق (در این بیت)
۳۸. باید سیاوش را اصلاح و تنبیه کرد.
۳۹. الف: غیر ساده * ب: نقش مفعول: جهان آفرین مرا. * پ: صفت فاعلی مرکب مرخم (آفریننده جهان)
۴۰. روبه رو کردن
۴۱. الف: یزدان: مضاف الیه / کوه: در نقش متمم * ب: اضطراب و ترس * پ: نیروی: هسته / یزدان: وابسته: مضاف الیه / نیکی دهش: وابسته وابسته: صفت مضاف الیه)
۴۲. الف: تنگ دل: مسند / به تندی: قید / * ب: سیه: مجاز از اسب سیاه (البته عده ای آن را کنایه در نظر می گیرند).
 پ: تنگ دل نشدن: کنایه از "غمگین نشدن" * ت: جناس ناهمسان: جنگ و تنگ / بتاخت و بساخت: جناس ناهمسان
۴۳. گزینه ۱ * آید: مضارع التزامی. بقیه گزینه ها فعل ماضی ساده هستند.
۴۴. در اثبات بی گناهی
۴۵. کی کاووس.
۴۶. ایهام دارد: ۱. شاید ۲. امید است.